



استاد ابوذر احمدی

زمان برگزاری: ۵۲۸۰ دقیقه

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون: ق

تاریخ آزمون: ۱۳۹۸/۱۱/۱۷

۱ مفهوم بیت زیر، با کدام بیت تناسب دارد؟

«نی حدیث راه پر خون می کند / قصه های عشق مجنون می کند»

- ۱ دودمان عشق از هم کم فراموشی کنند
- ۲ رو به راحت بس که سودم، هر دو خونین گشت و ریش
- ۳ خصم را می کنم از راه تنزل مغلوب
- ۴ خونین اگر بود سخن عشق دور نیست
- بیدلان تا حشر خون بر یاد مجنون می خورند
- وہ کہ سویت آمدن را نیست راه رو مرا
- سیل خونین جگر از پستی دیوار من است
- دل های چاک هم چو قلم در بنان اوست

۲ کدام بیت با بیت «گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت به جانت سو گند» ارتباط معنایی دارد؟

- ۱ نیامد از ته حرف شکوهام به زبان
- ۲ همچو شمع ار سخن سوز دل آرم به زبان
- ۳ ز آتش دل من حرف در دهن سوزد
- ۴ بر آرد آتش غم دودم از دل ار نکند
- شرر ز آتش آسوده ام هوا نگرفت
- در نفس شعله زند آتش عشق از دهنم
- کسی چگونه بفهمد بیان سوخته را
- ترشح آب سخن از انای اندیشه

۳ مفهوم کدام گزینه با بیت «بدین شکسته بیت الحزن که می آرد / نشان یوسف دل از چه ز نخدانش» قرابت دارد؟

- ۱ باز پرسید ز گیسوی شکن در شکنش
- ۲ ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست
- ۳ عقل دیوانه شد آن سلسله مشکین کو
- ۴ ساقی و مطرب و می جمله مهیاست ولی
- کاین دل غمزه سرگشته گرفتار کجاست؟
- منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟
- دل ز ما گوشه گرفت ابروی دلدار کجاست؟
- عیش بی یار مهیا نشود یار کجاست؟

۴ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ این مستی نی نیست که هنگامه عشق است
- ۲ بگفتش لاف عشق و ناله بی جاست
- ۳ آتش فتاد در نی و عالم گرفت دود
- ۴ آتش عشق است کاندلر نی فتاد
- این ناله نی نیست که آواز سروش است
- بگفتا درد حرمان ناله فرماست
- زیرا ندای عشق ز نی هست آتشی
- جوشش عشق است کاندلر می فتاد

۵ مفهوم بیت زیر در کدام بیت وجود ندارد؟

«در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام»

- ۱ فریاد من از سوختگی هاست چو آتش
- ۲ تا نسوزد بر نیاید بوی عود
- ۳ آتش روی تو زین گونه که در خلق گرفت
- ۴ دردا که پختیم در این سوز نهانی
- چون باده ز خامی نبود جوش و خروشم
- پخته داند کاین سخن با خام نیست
- عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است
- وان را خبر از آتش ما نیست که خام است

۶ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ نتوان به کنه چرخ رسیدن به سعی فکر
- ۲ عقل اندر راه او دیده به چشم معرفت
- ۳ ثنای عزت حضرت نمی توانم گفت
- ۴ اندر هوای وصف تو پرواز خواست کرد
- اندیشه، مور و این در و دیوار آینه است
- وهم را در منزل اول شکسته پر و بال
- که ره نمی برد آن جا قیاس و وهم و خیال
- از پر خویش طایر اندیشه خورد تیر



۷ مفهوم آیه «تُعْزُ مِنْ تَشَاءُ وَ تُدَلِّ مِنْ تَشَاءُ» با کدام بیت، متناسب است؟

- ۱ آن که را کردگار کرد عزیز
- ۲ آن که خود را شناخت نتواند
- ۳ آن که عیب تو گفت، یار تو اوست
- ۴ آن که با طمع سرو کار است
- ۱ نتواند زمانه خوار کند
- ۲ آفریننده را کجا داند
- ۳ وان که پوشیده داشت، مار تو اوست
- ۴ گر عزیز جهان بود خوار است

۸ بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«عاشقان کشتگان معشوقند بر نیاید ز کشتگان آواز»

- ۱ عشق برداشت ز کوچک دلی از خاک مرا
- ۲ به آه و ناله گفتم دل تهی سازم ندانستم
- ۳ خوش کن به شور عشق دهن تا چو ماهیان
- ۴ کار غیور عشق شراکت پذیر نیست
- ۱ ورنه ویرانه من قابل تعمیر نبود
- ۲ که عشق اول زبان زین لشکر خونخوار می گیرد.
- ۳ در مشرب تو تلخی دریا شود لذیذ
- ۴ دل را به نقد از همه کار جهان بر آر

۹ عبارت زیر، با کدام بیت تقابل مفهومی دارد؟

«مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.»

- ۱ قوی دار دل را و همت بلند
- ۲ همت عالی نظر به پست ندارد
- ۳ کسی را که همت بلند اوفتد
- ۴ همت خویش قوی دار که مرغ دل تو
- ۱ به همت توان گشت فیروزمند
- ۲ خانه گردون غم نشست ندارد
- ۳ مرادش کم اندر کمند اوفتد
- ۴ جز بدین بال به سرمنزل عنقا نرسد

۱۰ همه گزینه ها به جز گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارند.

«بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک بگفت آن گه که باشم خفته در خاک»

- ۱ به خاک من گذری کن چو گل گریبان چاک
- ۲ روزگاری است که سودای تو در سر دارم
- ۳ در قفس طلبد هر کجا گرفتاری است
- ۴ به خاک پای تو تا ترک سر نخواهم کرد
- ۱ که من چو لاله به داغ تو خفته ام در خاک
- ۲ مگرم سر برود تا برود سودایت
- ۳ من از کمند تو تا زنده ام نخواهم جست
- ۴ هوای کاکلت از سر به در نخواهم کرد

۱۱ بیت ذکر شده در کدام گزینه را می توان با بیت زیر هم مفهوم دانست؟

«گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت، به جانت سوگند»

- ۱ عنان به خامه آتش زبان مده «صائب»
- ۲ هر که در آتش عشقش نبود طاقت سوز
- ۳ بر آرد آتش غم دودم از دل ار نکند
- ۴ هر که در آتش نرفت بی خبر از سوز ماست
- ۱ که دود از دل اهل سخن بر آوردی
- ۲ گو به نزدیک مرو کافت پروانه پر است
- ۳ ترشح آب سخن از انای اندیشه
- ۴ سوخته داند که چیست پختن سودای خام

۱۲ از میان ابیات زیر کدام موارد با بیت «شو منفجر ای دل زمانه / وان آتش خود نهفته میسند» قرابت معنایی دارند؟

- الف) قضا چو دست بر آورد ناله بی اثرست
- ب) جز خموشی هر که دل بر ناله و فریاد داشت
- ج) نفس برنایدم بی ناله زار از دهن هر گز
- د) یک ره ای آتش به فریاد سپند من برس
- ه) آتش غلط نکرد که کار سپند ساخت
- ۱ سپند از آتش سوزان نجست از فریاد
- ۲ شمع خود را هم چونی در رهگذار باد داشت
- ۳ بمیرم گر دهن از ناله های زار بر بندم
- ۴ در گره تا چند بندم ناله و فریاد را
- ۵ تا کی به ناله درد سر انجمن دهد

۴ الف - ه

۳ ج - د

۲ ب - ه

۱ ب - ج



۱۳ کدام بیت با سایر ابیات تقابل معنایی دارد؟

- | | |
|------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱ اگر سالکی محرم راز گشت | ۱ بیندند بر وی در بازگشت |
| ۲ عشق با سر بریده گوید راز | ۲ زانکه داند که سر بود غماز |
| ۳ راز درون پرده چه داند فلک؟ خموش | ۳ ای مدعی نزاع تو با پرده دار چیست؟ |
| ۴ گر فلاطون به حکیمی مرض عشق پیوشد | ۴ عاقبت پرده برافتد ز سر راز نهانش |

۱۴ بیت: «هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- | | |
|--|---|
| ۱ دل، قطره‌ای ز شبنم دریای عشق اوست | ۱ کز راه دیده به دریا همی رود |
| ۲ سیل دریا دیده، هرگز بر نمی‌گردد به خود | ۲ نیست ممکن هر که مجنون شد دگر عاقل شود |
| ۳ چون ز دریا سوی ساحل بازگشت | ۳ چنگ شعر مثنوی با ساز گشت |
| ۴ سروری را اصل و گوهر برترین سرمایه است | ۴ مردم بی اصل و بی گوهر نیابد سروری |

۱۵ بیت «بشنو، از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند» با کدام بیت تقابل مفهومی دارد؟

- | | |
|---|--|
| ۱ سینه مالا مال درد است، ای دریغا مرهمی | ۱ دل ز تنهایی به جان آمد خدا را مرهمی |
| ۲ عاشق بیدار را دیدار آرد در خروش | ۲ عنذلیب از شوق گل فریاد و زاری می‌کند |
| ۳ دلم از جور تو بسیار شکایت دارد | ۳ وقت آن شد که شکایت به حکایت آرد |
| ۴ دارم دلی که سوخته اشتیاق اوست | ۴ جز وصل او چه چاره بود اشتیاق را |

۱۶ بیت «نی، حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند» با کدام گزینه، قرابت مفهومی دارد؟

- | | |
|--|--|
| ۱ از ترک تاز عشق شکایت چه سان کنم؟ | ۱ کاین لشکر از سپاه من اول زبان گرفت |
| ۲ بر آستان محبت قدم منه خواجه | ۲ که هر که پای در این ره نهاد سر بنهاد |
| ۳ مرا بی‌عشق مه‌رویان بقای سر نمی‌باید | ۳ که سر بی‌عشق بر گردن کشیدن بار دوش آمد |
| ۴ حافظ چه نالی؟ گر وصل خواهی | ۴ خون بایدت خورد در گاه و بی‌گاه |

۱۷ کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

- | | |
|--|---|
| «مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد | غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد، |
| ۱ سخن کمال پذیرد ز مستمع صائب | ۱ گهر کند صدف پاک اشک نیشان را |
| ۲ مستمع را می‌برد صائب کلام من ز هوش | ۲ کیست تا آید برون از عهده تحسین مرا |
| ۳ مستمع را صائب از گفتار ما بهره است بیش | ۳ چون کمان ما را نصیب از صید جز خمیازه نیست |
| ۴ مستمع را کام ناگردیده از دشنام تلخ | ۴ می‌کند گوینده را دشنام اول کام تلخ |

۱۸ مفهوم بیت «هم‌چو نی زهری و تریاکی که دید؟ / هم‌چو نی دمساز و مشتاقی که دید؟» در کدام بیت آمده است؟

- | | |
|---------------------------------------|--|
| ۱ درون پیکر خشک آتشی از عشق او دارم | ۱ که می‌سوزد چو نی هر کس به من دمساز می‌گردد |
| ۲ اگر تو زخم زنی به که دیگری مرهم | ۲ وگر تو زهر دهی به که دیگری تریاق |
| ۳ زر ستانم از گدایان بخش بر شاهان کنم | ۳ هم زرم هم زرطلب، هم پادشاهم هم گدا |
| ۴ هم جهان را نور بخشد آفتاب روی تو | ۴ زهر را تریاق سازد کفر را ایمان کند |

۱۹ مفهوم عبارات «ولی چون تیری که از شست رفته باز نمی‌گردد، یک بار دیگر به کلام بلند پایه» از ماست که بر ماست، ایمان آوردم و پشت دستم را داغ کردم که تا من باشم دیگر پیرامون ترفیع رتبه نگردم.» در همه ابیات به استثنای بیت گزینه یافت می‌شود.

- | | |
|--|---|
| ۱ بدو گفت کاین بر من از من رسید | ۱ زمانه به دست تو دادم کلید |
| ۲ شنیدم که می‌گفت و خون می‌گریست | ۲ که ای نفس خود کرده را چاره چیست؟ |
| ۳ گرچه رفت آن عارض چون آب باز از جوی چشم | ۳ چشم آن دارم که آب رفته باز آید به جوی |
| ۴ زرع را چون رسید وقت درو | ۴ نخرامد چنان که سبزه نو |



۲۰ همه ابیات به جز بیت گزینه بیانگر مفهومی مشترک اند.

- | | |
|---------------------------------------|--|
| ۱ گو چشمه آب کوثر و بستان بهشت باش | ما را مقام بر سر این کوی خوش تر است |
| ۲ سنبل فردوس ریزد خار در پیراهنش | دیده هر کس که شد آینه دار خط تو |
| ۳ آن پری کیست که از عالم جان روی نمود | وین چه حوری است که بر ما در فردوس گشود |
| ۴ کی به دست سنبل فردوس دل خواهیم داد | ما که در سودای زلف یار دل می کنیم |

۲۱ کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی ندارد؟

- «هیچ نقاش نمی بیند که نقشی بر کند»
وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده است»
- | | |
|--------------------------------------|---|
| ۱ زبان ناطقه در وصف شوق نالان است | چه جای کلک بریده زبان بیهده گوست؟ |
| ۲ خاطر ما وصف ذاتش چون تواند گفت چون | ناطقه مدهوش و دل سرگشته، جان حیران اوست |
| ۳ از شناسایی حق لاف زدن، نادانی است | قسمت نقش ز نقاش، همین حیرانی است |
| ۴ نظر به درک جمال تو عاجز است و ضعیف | سخن به وصف جلال تو قاصر و حیران |

۲۲ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱ اگر جهان همه دشمن شود ز دامن تو | به تیغ مرگ شود دست من رها ای دوست |
| ۲ هیچ شک نیست به تیر اجل ای یار عزیز | که من از پای در آیم چو تو اندازی به |
| ۳ آن ها که تن به مهر سپارند و دل به عشق | زینهار مگر به مرگ بود باز رستشان |
| ۴ من که مهر عارضت می ورزم از صبح ازل | نگسلم از زلف تو پیوند تا شام اجل |

۲۳ مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- | | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ گر جذبه ای ز حضرت جانان به جان رسد | حاجت به رهنمایی پیر و دلیل نیست |
| ۲ زینهار تا بیویی بی رهبری در این ره | زیرا که این بیابان خون خوار می نماید |
| ۳ گر درد طلب رهبر این قافله بودی | کی پای تو را پرده خواب آبله بودی؟ |
| ۴ در راه خطرناک طلب گم شدم آخر | زیرا که در این ورطه مرا راهبری نیست |

۲۴ مفهوم کدام گزینه با بیت «سرّ من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست»، قرابت معنایی دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|--|
| ۱ بوی محبت می شود پوشیده ما را در سخن | گر بوی گل پنهان کند باد بهاران در بغل |
| ۲ سخن تازه من در قلم از بیم حسود | در گلو گریه پنهان شده را می ماند |
| ۳ گفت و گوی عشق را هر گوش نتواند شنید | نیست جز چاه ذقن، این راز را گر محرمی است |
| ۴ نمی شود سخن راست در دهان پنهان | که تیر را نکند خانه کمان پنهان |

۲۵ بیت «سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ ما بی تو به دل بر نزدیم آب صبوری | در آتش سوزنده، صبوری که تواند |
| ۲ آن را که غمی چون غم من نیست چه داند | کز شوق توام دیده چه شب می گذراند |
| ۳ فریاد که گر جور فراق تو نویسم | فریاد بر آید ز دل هر که بخواند |
| ۴ شرح غم هجران تو هم با تو توان گفت | پیداست که قاصد چه به سمع تو رساند |

۲۶ بیت «کز نیستان تا مرا ببریده اند / از نفیرم مرد و زن نالیده اند» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱ نظر ز چاره ی بیمار خود می پوش خدا را | کجا بریم دلی را که کرده ای تو چنینش |
| ۲ گشاده چهره بیا در حضور خازن جنت | که بر کسی نگشاید در بهشت برینش |
| ۳ مریض عشق تو را جان به لب رسیده و ترسم | که بر رخ تو نیفتد نگاه باز پسینش |
| ۴ خدنگ عشق به هر قلب خسته ای که نشسته | نهاد سنگ بنالد ز ناله های حزینش |



۲۷ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ خفته نیارد شناخت لعل ز خارا
- ۲ بلای هجر و درد اشتیاق پیر کنعانی
- ۳ ملامت گوی عاشق را چه گوید مردم دانا؟
- ۴ احوال قید چون من سرگشته‌ای چه داند؟
- مست نداند تمیز کرد گل از خار
- کسی داند که چون یوسف عزیزی در سفر دارد
- که حال غرقه در دریا نداند خفته بر ساحل
- جز بیدلی که او را پایی به دام باشد

۲۸ در همه گزینه‌ها به جز دو بیت با هم ارتباط معنایی دارند.

- ۱ «سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق»
- ۲ «دردمندی کز محبت در دلش دردی است کو؟ / بی دلی کز درد داغی بر جگر دارد کجاست؟»
- ۳ «آتش عشق است کاندلر نی فتاد / جوشش عشق است کاندلر می فتاد»
- ۴ «دور گردون ها ز موج عشق دان / گر نبودی عشق بفسردی جهان»
- ۵ «نی حدیث راه پر خون می کند / قصه های عشق مجنون می کند»
- ۶ «خونین اگر بود سخن عشق، دور نیست / دل های چاک هم چو قلم در بنان اوست»
- ۷ «هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی روزی است روزش دیر شد»
- ۸ «تا نگرید دیده عاشق نمی گیرد قرار / هست ماهی را مهیا بالش و بستر در آب»

۲۹ مفاهیم «سیری ناپذیری عاشق، دشواری های راه عشق، پنهان نماندن راز عشق، فاش نکردن اسرار عاشق» به ترتیب از کدام ابیات دریافت می شود؟

- | | | | |
|--|------------------------------------|--|--|
| الف) در محیط عشق باشد از سر پُر خون حباب | ب) هر نگاهی محرم رنگ لطیف عشق نیست | ج) سوز عاشق کم نگردد از فرو رفتن در آب | د) داغ عشق از صفحه سیمای عاشق ظاهر است |
| ۱ د، الف، ج، ب | ۲ ج، الف، د، ب | ۳ ج، ب، الف، د | ۴ الف، ج، ب، د |

۳۰ مفهوم بیت زیر از همه ابیات دریافت می شود؛ به جز:

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| نیست جانش محرم اسرار عشق | هر که را در جان، غم جانانه نیست |
| ۱ آتش از گرمی افسانه من گوش گرفت | ۲ پیام اهل دل است این خبر که سعدی داد |
| ۳ کی به هر نامحرمی چاک جگر خواهم نمود | ۴ پیش گل نتوان حدیث روی او گفتن سلیم |
| گوش هر خام کجا لایق گفتار من است | نه هر که گوش کند معنی سخن داند |
| من که زخمش را نهان از چشم سوزن داشتم | هر که گوشی پهن سازد محرم این راز نیست |

۳۱ عبارت «به تهران آمدم، با بدنم به تهران آمدم ولی روحم در ایل ماند، در میان آن دو کوه سبز و سفید، در کنار آن چشمه ی نازنین، توی آن چادر سیاه، در آغوش آن مادر مهربان» با کدام بیت ارتباط دارد؟

- ۱ غربت ما دردمندان، پله‌ی آزادی است
- ۲ در دل ماست نهان یار و جهان روشن از اوست
- ۳ نمی ماند به زندان بدن چون روح کامل شد
- ۴ من در این جای همین صورت بی جعلم و بس
- نیست جزدام و قفس جای دگر مأنوس ما
- ماه جای دگر و جای دگر مهتاب است
- که صبا چون نشست از جوش در میخانه ننشیند
- دلم آن جاست که آن دلبر عیار آن جاست

۳۲ مفهوم کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ مهر ترکان نرود از دل «یغما» ناصح
- ۲ در من این عیب قدیم است و به در می نرود
- ۳ تو مپندار که مهر از دل محزون نرود
- ۴ هر گزم نقش تو از لوح دل و جان نرود
- مدم افسون که برون ناید از این شیشه پری
- که مرا بی می و معشوق به سر می نرود
- آتش عشق به جان افتد و بیرون نرود
- هر گز از یاد من آن سرو خرامان نرود



۳۳ بیت «تا عهد تو در بستم عهد همه بشکستم / بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها» با کدام بیت‌های زیر تناسب معنایی دارد؟

- الف) یاد باد آن کو به قصد خون ما
ب) گر میسر نشود با توام امکان وصول
ج) از پی پیوند حلقه سر زلفت
د) تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او
- عهد را بشکست و پیمان نیز هم
نیست ممکن که فراموش کنم عهد وصال
رشته الفت ز هرچه بود گسستیم
زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند
- ۱ ج، د
۲ الف، ب
۳ ب، ج
۴ د، الف

۳۴ مفهوم بیت زیر در همه گزینه‌ها به جز آمده است.

«طاق پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف
بر نَمَط عشق اگر پای نهی طاق نه»

- ۱ سر بزن نمرود را هم چون قلم
۲ چارچوب طبع بشکن مردوار
۳ تا توانستی ربودی چون عقاب
۴ خویش را زین چاه ظلمانی بر آر
- چون خلیل‌الله در آتش نه قدم
در درون غار وحدت کن قرار
چون شادی عاجز گرفتی کرکسی
سر ز اوج عرش رحمانی بر آر

۳۵ همه ابیات به استثنای بیت گزینه با عبارت زیر تناسب دارد.

«آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد»

- ۱ تا تو را از دور دیدم، رفت عقل و هوش من
۲ از دلیل عقل بر من کوه و صحرا تنگ شد
۳ با عقل گشتم همسفر یک کوچه راه از بی‌کسی
۴ می‌کند هر لحظه ویران تر مرا تعمیر عقل
- می‌شود نزدیک منزل کاروان از هم جدا
وقت آن سرگشته خوش کز راهبر باشد جدا
شد ریشه ریشه دامنم از خار استدلال‌ها
شور سیلاب است در ویرانه‌ام مهتاب را

۳۶ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، متفاوت است؟

- ۱ قلب مسیح خرم است از برکات مریمی
۲ تا به منزل نرسی بر تو نگرده روشن
۳ چرخ از حرکت این برکت یافته است
۴ یقین تو راست جهان باید از تو یک حرکت
- بزم خلیل روشن است از حرکات ساره‌ای
برکت‌ها که نهان در حرکات است تو را
از ما حرکت باید و از حق برکت
که تا بود برکت در ممالک از دادار

۳۷ «آن را که خبر شد خبری باز نیامد» با همه ی ابیات به جز بیت قرابت مفهومی دارد.

- ۱ سخن ماند از تو همی یادگار
۲ محرم این هوش جز بیهوش نیست
۳ از تن دوست در سرای مجاز
۴ کسی را در این بزم ساغر دهند
- سخن را چنین خوار مایه مدار
مر زبان را مشتری جز گوش نیست
جان برون آید و نیاید راز
که داروی بیهوشیش در دهند

۳۸ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ خلق را بستی ز عیب چشم و گوش
۲ برآورده مردم ز بیرون خروش
۳ من همی‌دانم و آن ستار من
۴ خدای راست مسلم بزرگواری و حلم
- ای خدا عیب من از خود هم بیوش
تو با بنده در پرده و پرده پوش
جرم‌ها و زشتی کردار من
که جرم بیند و نان برقرار می‌دارد

۳۹ مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- ۱ تا فضل و عقل بینی بی‌معرفت نشینی
۲ یک گام به فرق تن خاکی نه و برخیز
۳ فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست
۴ اهل نظر دو عالم در یک نظر بیازند
- یک نکته‌ات بگویم خود را مبین که رستی
از کوی تو تا کعبه مقصود دو گام است
کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی
عشق است و داو اول بر نقد جان توان زد



۴۰ کدام گزینه با بیت زیر قرابت ندارد؟

«نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی»

نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی»

- ۱ منم حیران و سرگردان ذاتت
- ۲ نیابد بدو نیز اندیشه راه
- ۳ هرچه مفهوم عقل و ادراک است
- ۴ ای عقل مرا کفایت از تو
- ۵ فرومانده به دریای صفات
- ۶ که او برتر از نام و از جایگاه
- ۷ ساحت قدس او از آن پاک است
- ۸ جستن ز من و هدایت از تو

۴۱ مفهوم کدام بیت با عبارت زیر تناسب دارد؟

«دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که من از بسیاری دعا شرم دارم.»

- ۱ یا رب، که دعا کرد که چون قافله موج
- ۲ خم نگردد بی ثمر شاخی و از بی حاصلی
- ۳ قوت دست دعا گردد ز بی برگی زیاد
- ۴ مشو صائب ز آه و ناله غافل تا نفس داری
- ۵ آسایش منزل نبود در سفر ما
- ۶ خجلت بسیار از این قد دو تا داریم ما
- ۷ هست در خشکی گشایش پنجه شمشاد را
- ۸ که آه سرد اینجا، سایه ها دارد ز بید آن جا

۴۲ کدام گزینه از نظر لحن و شیوه بیان با سایر گزینه ها متفاوت است؟

- ۱ باده با محتسب شهر ننوشی زنهار
- ۲ گفت مست: «ای محتسب، بگذار و رو
- ۳ در صومعه زاهد و در خلوت صوفی
- ۴ با محتسب عیب مگوئید که او نیز
- ۵ بخورد باده ها و سنگ به جام اندازد
- ۶ از برهنه کی توان بردن گرو؟»
- ۷ جز گوشه ابروی تو محراب دعا نیست
- ۸ پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

۴۳ مفهوم کدام گزینه با بیت «بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک / بگفت آن گه که باشم خفته در خاک» قرابت دارد؟

- ۱ در آن نفس که مرا از لحد برانگیزند
- ۲ مگر اجل برهاند مرا ز عشق، ارنه
- ۳ هر ذره ای ز خاکم سرمست عشق باشد
- ۴ گر مرده بوم برآمده سالی بیست
- ۵ حدیث عشق تو باشد نوشته بر کفتم
- ۶ به زندگی نتوانم رها شدن ز شما
- ۷ چون ذره ها برآید از خاک استخوانم
- ۸ چه پنداری که گورم از عشق تهی است

۴۴ کدام گزینه با بیت «دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی» قرابت معنایی دارد؟

- ۱ مدح تو خاک در کف مادح چو زر کند
- ۲ هر که متاع وجود ریخت به بازار عشق
- ۳ چون مس بود وجود عدو، کیمیای اوست
- ۴ خاک آدم ز آفتاب جود او زر گشت ز آنک
- ۵ گویی که هست مدح تو جزوی ز کیمیا
- ۶ عمر به قیمت فروخت، عشق به ارزان خرید
- ۷ یک ذره آفتاب ضمیر منورم
- ۸ خاک آدم را چنان بود او که مس را کیمیا

۴۵ مفهوم مقابل شعر «ریشه های ما به آب / شاخه های ما به آفتاب می رسد / ما دوباره سبز می شویم» در کدام گزینه دیده می شود؟

- ۱ غم مخور کان یوسف گم گشته باز
- ۲ از روز وصل در شب هجر اوفتاده ایم
- ۳ گر نخل وفا بر ندهد، چشم تری هست
- ۴ سبز کردی شاخ زرد و تازه کردی باغ خشک
- ۵ اینک اینک سوی کنعان می رسد
- ۶ آه! آن زمان کجا شد و باز این چه حال بود
- ۷ تا ریشه در آب است، امید ثمری هست
- ۸ سخت کردی بند سست و پخته کردی کار خام

۴۶ کدام گزینه با بیت زیر قرابت دارد؟

«آن کسی را که در این ملک، سلیمان کردیم

- ۱ دست کی شوید عدو چون زاهدان از صید عام
- ۲ به من عداوت دشمن چه می تواند کرد
- ۳ می توان پرهیز کرد از دشمنان خارجی
- ۴ سلطان که بود در پی آزار رعیت
- ۵ ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است»
- ۶ گرگ را بر سر خیالی جز شکار میش نیست
- ۷ که گرگ در رمه من شبان دیگر شد
- ۸ وای بر آن کس که گرگ او بود در پیرهن
- ۹ گرگی است در افتاده در این گله، شبان نیست



۴۷ مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- ۱ درخت جور و ستم هیچ بار و برگ نداشت
- ۲ گفتی که کجا رفتند آن تاجوران اینک
- ۳ تکیه بر اختر شب دزد مکن کاین عیار
- ۴ چندین تن جباران کاین خاک فرو خورده است
- اگر که دست مجازات، میزدش تبری
- ز ایشان شکم خاک است آبستن جاویدان
- تاج کاووس ببرد و کمر کی خسرو
- این گرسنه چشم آخر هم سیر نشد زایشان

۴۸ کدام دو بیت تماماً با مفهوم بیت «در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید، والسلام» تناسب دارد؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| الف) عقل کجا پی برد شیوه سودای عشق | باز نیابی به عقل سر معمای عشق |
| ب) گفتم از شرح حدیث عشق، زاهد را چه سود؟ | بی اثر گویا غلط بانگی به گوش کر زدم |
| ج) بیگانه را ز راز دل ما چه آگهی | با آشنای دوست توان گفت حال دوست |
| د) از سعی راه عشق به پایان نمی رسد | در ترک کوشش است طریق نجات ما |
- ۱ ب، ج ۲ الف، ب ۳ ب، د ۴ الف، د

۴۹ مفهوم عبارت «چون من در آن حضرت رسم و تاب آفتاب آن جمال بر من زند، مرا از خود یاد نیاید، از تو چون یاد کنم؟» در کدام گزینه دیده می شود؟

- ۱ هر چند حسن را خطر از چشم پاک نیست
- ۲ یک چشم زدن غافل از آن جان جهان نیست
- ۳ در کوی تو گم شد پی عشاق به یک بار
- ۴ تو را که در نظر آمد جمال طلعت خویش
- پنهان ز آب و آینه کن آن جمال را
- هر چند دل از خویش خبر هیچ ندارد
- آن جا تویی از دو جهان نام و نشان نیست
- حقیقت است که دیگر نظر به ما نکنی

۵۰ کدام گزینه با مفهوم کلی بیت «گفتی به روزگاران مهری نشسته گفتم / بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران»، قرابت دارد؟

- ۱ تا مهر ماه چهره تو در دلم نشست
- ۲ وین عشق تو در من آفریدستند
- ۳ ز عقل و عافیت آن روز بر کران ماندم
- ۴ به مهر گفت که چون نیستت به کام جهان
- از مهر و ماه مهر به کلی بریده ام
- هرگز نرو ز زعفران زردی
- که روزگار حدیث تو در میان انداخت
- در این هوس منشین روزگار خویش مبر

۵۱ مفهوم کدام گزینه با بیت «من که هر آن چه داشتم، اول ره گذاشتم / حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو» تناسب دارد؟

- ۱ گفت که سرمست نه ای، رو که از این دست نه ای
- ۲ گفت که با بال و پری، من پر و بال ندهم
- ۳ گفت مرا عشق کهن، از بر ما نقل مکن
- ۴ چشمه خورشید تویی، سایه گه بید منم
- رفتم و سرمست شدم، ور طرب آکنده شدم
- در هوس بال و پرش بی پر و پر کنده شدم
- گفتم آری نکنم ساکن و باشنده شدم
- چون که زدی بر سر من، پست و گدازنده شدم

۵۲ در همه گزینه ها به جز گزینه شاعر هنجارشکنی کرده است.

- ۱ گرچه بر آتش زدن را مشورت در کار نیست
- ۲ پروانه بیا گرم و ز من طرز بیاموز
- ۳ پروانه ز من، شمع ز من، گل ز من آموخت
- ۴ تو ای پروانه عاجز، تلاش قرب آتش کن
- فالی از بال و پر پروانه می باید گشود
- آتش زده در خانه من شمع طرازی
- افروختن و سوختن و جامه دریدن
- که من از گرمی پرواز می سوزم پر خود را

۵۳ مفهوم کلی کدام دو بیت، با یکدیگر تناسب دارد؟

- | | |
|---|--|
| الف) آزادی اگر خواهی از عقل گریزان باش | سرخیل مجانین شو، سر حلقه طفلان باش |
| ب) من و انکار شراب این چه حکایت باشد | غالباً این قدرم عقل و کفایت باشد |
| ج) یکی از عقل می لافد یکی طامات می بافد | بیا کاین داوری ها را به پیش داور اندازیم |
| د) عقل اگر داند که دل در بند زلفش چون خوش است | عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما |

- ۱ الف - ج ۲ الف - د ۳ ب - ج ۴ ب - د



۵۴ مفهوم «مراقبت» از کدام گزینه دریافت می‌شود؟

- ۱ راندیم ز دل هر چه نه با یاد خدا بود
- ۲ تقدیر قوی را چه کند رای ضعیفان
- ۳ انصاف نباشد که برنجیم و نسنجیم
- ۴ تا عاقبت، احرام در کعبه مقصود
- پس در کنف سایه وی جای گزیدیم
- هم از ره تدبیر به تقدیر رسیدیم
- با خود که چه مقدار تبهکار و پلیدیم
- بستیم و دل از نیک و بد خلق بریدیم

۵۵ مفهوم حدیث: یا ملائکتی قد استحييت من عبدی و ليس له غیری فقد غفرت له در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ قبول است اگر چه هنر نیستش
- ۲ تواضع کند هوشمند گزین
- ۳ ترا تا دهن باشد از حرص باز
- ۴ اگر میرم امروز در کوی دوست
- که جز ما پناهی دگر نیستش
- نهد شاخ پر میوه سر بر زمین
- نیاید به گوش دل از غیب راز
- قیامت ز نم خیمه پهلوی دوست

۵۶ بیت «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آنرا که باشد نوح کشتیان»، با کدام گروه ابیات، تناسب مفهومی ندارند؟

- الف - گر هزاران دام باشد هر قدم
- ب - دست در دامن مردان زن و اندیشه مکن
- ج - از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم
- د - هر دلی کز قبل شادی او شاد بود
- ه - هر که در سایه ی عنایت اوست
- ز - چون عنایات بود با ما مقیم
- و - نه غم و اندیشه ی سود و زیان
- چون تو با مایی، نباشد هیچ غم
- هر که با نوح نشیند چه غم از طوفانش
- و ز لوح سینه هر گز نقشست نگشت زایل
- گرش طوفان غمان خیزد، غمگین نشود
- گنهدش طاعت است و دشمن دوست
- نه خیال این فلان و آن فلان
- کی بود بیمی از آن دزد لئیم؟

- ۱ ب، ج ۲ الف، د ۳ ج، و ۴ ز، ه

۵۷ بیت «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی»، با کدام بیت زیر قرابت معنایی ندارد؟

- ۱ کس خبردار کنه (= عمق) ذات تو نیست
- ۲ معذورم از نفس ز مدیحت فروکشتم
- ۳ کثرت خیال است و گمان، وحدت یقین جاودان
- ۴ از خیال و عقل و فهم، او برتر است
- فکر کس واقف صفات تو نیست
- ای برتر از خیال و قیاس و گمان من
- این بس عجب کان یار ما، دارد یقین دارد گمان
- اندرین ره بوعلی کور و کر است

۵۸ مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱ در قبضة سعی است کلید در روزی
- ۲ مرغ دست آموز روزی بی نیاز است از طلب
- ۳ به کار تا نرود دست و پای سعی تو را
- ۴ از توکل در حنا مگذار دست سعی را
- شیر از کشش طفل ز پستان به درآید
- در تلاش این شکار رام دست و پا مزن
- امید رزق ز دست دعا نباید داشت
- قفل روزی گر کلیدی دارد ابرام (= پافشاری) است و بس

۵۹ ابیات کدام گزینه با هم تناسب معنایی دارند؟

- ۱ روزها گر رفت گو رو باک نیست
- ۲ عجب نیست این فرع از آن اصل پاک
- ۳ هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش
- ۴ ما از آنجا و از این جا نیستیم
- ۵ سر من از ناله من دور نیست
- ۶ از گفت توبه کرده ام ای شه، گواه باش
- ۷ درنیابد حال پخته هیچ خام
- ۸ افسوس خلق می شنوم در قفای خویش
- تو بمان ای آن که چون تو پاک نیست
- که جانم بر اوج است و جسمش به خاک
- بازجوید روزگار وصل خویش
- ما ز بی جاییم و بی جا می رویم
- لیک چشم و گوش را آن نور نیست
- بی گفت و ناله عالم اسرار ما تویی
- پس سخن کوتاه باید والسلام
- کاین پخته بین که در سر سودای خام شد



۶۵ کدام گزینه با بیت زیر قرابت ندارد؟

«نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی»

- ۱ منم حیران و سرگردان ذات
- ۲ نیاید بدو نیز، اندیشه راه
- ۳ هر چه مفهوم عقل و ادراک است
- ۴ ای عقل مرا کفایت از تو
- ۵ فرومانده به دریای صفات
- ۶ که او برتر از نام و از جایگاه
- ۷ ساحت قدس او از آن پاک است
- ۸ جستن ز من و هدایت از تو

۶۱ مفهوم عبارت «گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت» با کدام گزینه تناسب دارد؟

- ۱ چشمی که تو را بیند و در قدرت بی چون
- ۲ نیست در دیدهٔ حیرت زدگان نقش دویی
- ۳ ای بلبل خوش سخن چه شیرین نفسی
- ۴ ای از فروغ رویت روشن چراغ دیده
- ۵ مدهوش نماند، نتوان گفت که بیناست
- ۶ غیر یک صورت از آئینهٔ تصویر مخواه
- ۷ سرمست هوی و پای بند هوسی
- ۸ خوش تر ز چشم مست چشم جهان ندیده

۶۲ مفهوم کدام گزینه به مفهوم کلی بیت «ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» نزدیک است؟

- ۱ تو که احوال دل سوختگان می دانی
- ۲ ناتوانان را زبان شکوه می باشد خموش
- ۳ تا مهر تو زد بر لب من مهر خموشی
- ۴ به پیش روی تو از بیم آن که کشته شوم
- ۵ مکن انکار کسی کز غم این کار بسوخت
- ۶ بر نمی خیزد به آتش دود از خاشاک ما
- ۷ آتش ز سرم شعله کشیده است و خموشم
- ۸ چو شمع سوختم و دم زدن نمی یارم

۶۳ کدام بیت با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

«همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی»

- ۱ از کمی پیوسته باید بیش خود خواستن
- ۲ بپوش چشم خود از عیب تا شوی بی عیب
- ۳ ای آشکار پیش دلت هر چه کردگار
- ۴ بر رخ عیب سزد پرده و بر چهره زشت
- ۵ همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی»
- ۶ می فزاید روشنایی شمع را از کاستن
- ۷ که عیب پوش کسان پرده دار خود باشد
- ۸ دارد همی به پردهٔ غیب اندرون نهان

۶۴ مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱ در مجالی که کشد موبک اوصاف تو صف
- ۲ خسته ز درک مشیت همه افهام
- ۳ با همه زیرکی که در خرد است
- ۴ ای برتر از آن که عقل دراک
- ۵ وهم را وسعت آن کو که کند میدانی
- ۶ خیره ز تحقیق حکمت همه ابصار
- ۷ بی خود است از تو و به جای خود است
- ۸ در راه تو دم زند ز ادراک

۶۵ مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱ زاهد ایمن مشو از بازی غیرت ز نهار
- ۲ برخیز تا یک سو نهیم این دلق ازرق فام را
- ۳ صراحی می کشم پنهان و مردم دفتر انگارند
- ۴ دیگر مگو که زاهد ما را گذشت نیست
- ۵ که ره از صومعه تا دیر مغان این همه نیست
- ۶ بر باد قلّاشی دهیم این شرک تقوا نام را
- ۷ عجب گر آتش این زرق در دفتر نمی گیرد
- ۸ نگذشت اگر چه از سر دنیا ز دین گذشت

۶۶ مفهوم عبارت «آن چه دارم اندک است، قانعم و این اندک مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتند نیستم. وزر و وبال آن چه به کار آید؟» در کدام گزینه بیان نشده است؟

- ۱ راحتی گر هست در آغوش ترک مدعاست
- ۲ خلعت دنیا زیاد از خویشتن در دسر است
- ۳ نعمتی چون سیرچشمی نیست در خوان وجود
- ۴ کرده ام با خاکساری جمع اوج اعتبار
- ۵ احتیاج، آشوب ها دارد به استغنا ز نید
- ۶ آن چه می آید زیاد از آستین چین می شود
- ۷ بی نیاز از بحر دارد آب این گوهر، مرا
- ۸ خار دیوارم، وبال هیچ دامن نیستم



۶۷ کدام گزینه با بیت «یار در خوبی قیامت می کند / حسن بر خوبان غرامت می کند» قرابت دارد؟

- ۱ نیاز سرکشان حسن آشوبی دگر دارد
- ۲ ای خواجه غرامت مکش از اطلس و دیبا
- ۳ سرو ز قدش خجل گل ز رخس منفعل
- ۴ هر طرف از بوی اوست مشک فشان روز و شب
- کمینگاه تغافل شد اگر ابرو خمید اینجا
- آدم چقدر ناز کند، رو، جل خر پوش
- غیرت گل رشک سرو، در شرف و در صفا
- جیب نسیم سحر، دامن باد صبا

۶۸ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب
- ۲ چه پروا گر در میخانه‌ها را محتسب گل زد
- ۳ زاهدا، نوشیدن می از سر اخلاص و صدق
- ۴ واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند
- چون نیک بنگری همه تزویر می کنند
- نبندد نرگس مستش دکان می فروشی را
- بهتر از ورزیدن زهد است با شید و ریا
- چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند

۶۹ کدام ابیات با بیت زیر مفهومی مشترک دارند؟

- ۱ دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
- ۲ الف) با بال شوق ذره به خورشید می رسد
- ۳ ب) عشق، دردانه است و من غواص و دریا، میکده
- ۴ ج) از رفتن حباب چه پرواست بحر را؟
- ۵ د) نشینم بر سر راه تو من افکنده سر در پیش
- ۶ هـ) چه آتش پاره‌ای بودی الا ای کیمیای عشق
- ۷ و) من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه
- تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
- پرواز دل به سوی خدا می برد مرا
- سر فرو بردم در این جا تا کجا سر بر کنم
- عشق تو را از این چه که عالم خراب شد
- به هر جا پا نهی، آن جا نهم صدبار چشم خویش
- که از برقی مس آلوده با زنگار زر کردی
- ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد

- ۱ ج، ب، هـ ۲ الف، هـ، و ۳ الف، ب، و ۴ و، هـ، د

۷۰ کدام گزینه با بیت «گر نور عشق حق به جان و دلت اوفتد / بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی» تناسب مفهومی دارد؟

- ۱ پرتو خورشید عشق بر همه افتد ولیک
- ۲ شاهباز قرب دست شاه شو
- ۳ شکوه حسن تو خورشید را ز توسن چرخ
- ۴ نه آدمی که اگر آهنین بود شخصی
- سنگ به یک نوع نیست تا همه گوهر شود
- برتر از خورشید و نور و ماه شو
- به یک اشاره ابرو پیاده می سازد
- در جمال آفتاب چو موم بگدازد

۷۱ همه ابیات به جز بیت گزینه مفهوم مشترکی را بیان می کنند؟

- ۱ بذل جان در ره ناموس وطن چیزی نیست
- ۲ ای نگهبان وطن نوبت جان بازی توست
- ۳ بر مسند عزت به غریبی چو نشینی
- ۴ ای خاک مقدس که بود نام تو ایران
- بی وطن خانه و ملک و سر و تن چیزی نیست
- سر فدا ساز که هنگام سرافرازی توست
- از یاد مبر چشم به راهان وطن را
- فاسد بود آن خون که به راه تو نریزد

۷۲ مفهوم بیت «کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست؟ / چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟» در کدام گروه ابیات آمده است؟

- ۱ الف) چو دانه‌ای که بمیرد هزار خوشه شود
- ۲ ب) چگونه دانه ما سر بر آورد از خاک
- ۳ ج) تو را غروب نماید ولی شروق بود
- ۴ د) روز مرگم بر سر تابوت خواهد شعله زد
- شدم به فضل خدا صدهزار چون مردم
- هنوز مو ز کف دست بر نیامده است
- لحد چو حبس نماید خلاص جان باشد
- آتش عشقت که در دل دارم از گهواره من

- ۱ الف، ج ۲ ج، د ۳ الف، ب ۴ ب، د



۷۳ مفهوم مقابل بیت «همت اگر سلسله جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود» در کدام گزینه دیده می شود؟

- ۱ آسمان در نظر همت مردان پست است
- ۲ دل به گرد زمانه می نرسد
- ۳ خامه ام از همت فکر بلند
- ۴ کیوان شده زیر قدم همت او پست
- نرسد سبزه خوابیده به رعنائی سرو
- مرغ همت به دانه می نرسد
- راز این نه پرده در صحرا فکند
- گردون شده زیر علم دولت او دون

۷۴ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ بی وطن جان و دل و روح و بدن در خطر است
- ۲ خاک لیلای وطن را جان شیرین بر سر افشان
- ۳ بهر وطن گذشتم از سود خویش و بالله
- ۴ گر مملکت گلستان گردد ز مردن من
- ای وطن خواهان زنهار وطن در خطر است
- خسروان عشق درس عبرت از مجنون گرفتند
- گر قصد جان نماید، شادم به جان سپاری
- من مرگ خویش خواهم از پیشگاه باری

۷۵ بیت «دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا / برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا؟» با همه ابیات تقابل مفهومی دارد؛ به جز

- ۱ چند خموش می کنم سوی سکوت می روم
- ۲ ز جوش شکوه بیداد دوست می ترسم
- ۳ خلوتیان گریخته نقل سکوت ریخته
- ۴ در کمینگاه خموشی می توان دریافتن
- هوش مرا به رغم من ناطق راز می کنی
- مباد مهر سکوت از دهن فرو ریزد
- ز آنک سکوت مست را هست قوی وقایتی (=محافظت)
- آن چه از آفات در گویندگی پوشیده است

۷۶ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱ ای شیر سپید خفته در وادی
- ۲ زان یال سپید نیش ها بنمای
- ۳ ای مردم روستای این وادی
- ۴ ای قلّه کوه آتش افشان کن
- آن یال فرو نشان خندان شو
- تیره گر عیش و نوش تهران شو
- از کیفر ایزدی هراسان شو
- وی قلعه ری، به خاک یکسان شو

۷۷ بیت «هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی روزی است روزش دیر شد» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱ جوی شهد است لعل سیرابش
- ۲ من از تو سیر نگردم که صاحب استسقا
- ۳ نی جان جهان ز عاشقان تنگ آید
- ۴ خیال تیغ تو با ما حدیث تشنه و آب است
- تشنگی می افزاید ز آبش
- نه ممکن است که هرگز رسد به سیرابی
- نی عاشق از آن جان جهان سیر شود
- اسیر خویش گرفتی بکش چنان که تو خواهی

۷۸ ابیات کدام گزینه با هم تناسب معنایی دارند؟

- ۱ روزها گر رفت گو رو پاک نیست
- ۲ عجب نیست این فرع از آن اصل پاک
- ۳ هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش
- ۴ ما از آن جا و از این جا نیستیم
- ۵ سر من از ناله من دور نیست
- ۶ از گفت توبه کردم ای شه، گواه باش
- ۷ در نیابد حال پخته هیچ خام
- ۸ افسوس خلق می شنوم در قفای خویش
- تو بمان ای آنکه چون تو پاک نیست
- که جانش بر اوج است و جسمش به خاک
- بازجوید روزگار وصل خویش
- ما ز بی جاییم و بی جا می رویم
- لیک چشم و گوش را از آن نور نیست
- بی گفت و ناله عالم اسرار ما تویی
- پس سخن کوتاه باید والسلام
- کاین پخته بین که در سر سودای خام شد

۷۹ مفهوم کدام گزینه از پیام بیت «صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع / لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست» دور است؟

- ۱ دست بیدار دلان آبله فرسوده شده است
- ۲ گر سر از جیب نیارند برون معذورند
- ۳ دلشان تنگ تر از چشمه سوزن شده است
- ۴ سالها مرکز پرگار حوادث شده اند
- تا از این خانه تاریک دری یافته اند
- در نهان خانه دل سیمبری یافته اند
- تا ز سر رشته مقصود سری یافته اند
- تا از این دایره ها پا و سری یافته اند



۸۰ متن زیر با کدام بیت قرابت مفهومی بیشتری دارد؟

«پروانه قوت از عشق آتش خورد، بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد تا آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند؛ چون به آتش رسد، خود را بر میان زند.»

- | | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ آتش رخسار گل خرمن بلبل بسوخت | ۳ پروانه ام و عادت من سوختن خویش |
| ۲ آتش آن نیست که از شعله او خندد شمع | ۴ سوز دل بین که ز بس آتش اشکم دل شمع |
| چهره خندان شمع آفت پروانه شد | |
| آتش آن است که در خرمن پروانه زدند | |
| تا پاک نسوزم دلم آسوده نگردد | |
| دوش بر من ز سر مهر چو پروانه بسوخت | |

۸۱ مفهوم کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| ۱ مهر ترکان نرود از دل «یغما» ناصح | ۳ تو مپندار که مهر از دل محزون نرود |
| ۲ در من این عیب قدیم است و به در می نرود | ۴ هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود |
| مدم افسون که برون ناید از این شیشه پری | |
| که مرا بی می و معشوق به سر می نرود | |
| آتش عشق به جان افتد و بیرون نرود | |
| هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود | |

۸۲ مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- | | |
|---|----------------------------------|
| ۱ عشقش حرام بادا بر یار سرو بالا | ۳ طهارت ارنه به خون جگر کند عاشق |
| ۲ گر هر که در جهان را شاید که خون بریزی | ۴ پروانه او گر رسد در طلب جان |
| تردامنی که جانش در آستین نباشد | |
| با یار مهربانت باید که کین نباشد | |
| به قول مفتی عشقش درست نیست نماز | |
| چون شمع همان دم به دمی جان بسپارم | |

۸۳ کدام بیت با سایر ابیات تناسب مفهومی ندارد؟

- | | |
|--------------------------------------|--|
| ۱ ز تیر عشق تو زخمی به سینه می خواهم | ۳ زخم تو آن چه می کند با دل خستگان عشق |
| ۲ صد گونه مرهم ار بنهی سودمند نیست | ۴ سر متابید ز تسلیم که در عرصه عشق |
| که هر کجا روم از تو نشانه ای باشد | |
| آن را که زخم بر جگر آمد ز شست عشق | |
| صبح نکرده با هوا گل به چمن نمی کند | |
| هیکل عافیت از زخم حمایل بخشند | |

۸۴ از عبارت «در کویر گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم و از آن ات که ماوراءالطبیعه - که همواره فلسفه از آن سخن می گوید و مذهب بدان می خواند - در کویر به چشم می توان دید، کدام مفهوم دریافت نمی شود؟

- | |
|---|
| ۱ مذهب، مردم را دعوت می کند به این که ماوراءالطبیعه را باور کنند. |
| ۲ مهتاب کویر، دیگر نه بارش وحی، تابش الهام، که نوری بدلی بود. |
| ۳ باور داشتن یا نداشتن به ماوراءالطبیعه از مباحث مهم فلسفه است. |
| ۴ تماشای آن باغ پر از گل های رنگین شعر و خیال و پر از قدس و چهره های پراز ماوراء درونم را پر از خدا می کرد. |

۸۵ مفهوم بیت «تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي // گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱ رسید از عالم غییم سروشی | ۳ غم حبیب، نهان به ز گفت گوی رقیب |
| ۲ دو کس بر حدیثی گمارند گوش | ۴ در راه عشق وسوسه ای اهرمن بسی است |
| که فارغ باش از گفت و شنیدن | |
| از این تا بدان اهرمن تا سروش | |
| که نیست سینه ای ارباب کینه، محرم راز | |
| پیش آی و گوش دل به پیام سروش کن | |

۸۶ مفهوم مقابل منظومه «ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه! / من گل به دست می دهم، من آب و دانه... / می کارمت در چشم ها گل نقش امید / می بارمت بر دیده ها باران خورشید» از همه گزینه ها به جز دریافت می شود.

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱ هزار پله سبک بارتر بود قارون | ۳ جگر سنگ به نومیدی من می سوزد |
| ۲ ناامیدی می کند خون گریه بر احوال من | ۴ آن چه اول غرق گردد کشتی امید ماست |
| ز تخم های امیدی که در گل است مرا | |
| کشت امیدم ز چشم نوبهار افتاده است | |
| آب حیوانم و از ریگ روان تشنه ترم | |
| گر سراب ناامیدی را فلک دریا کند | |



۸۷ مفهوم کدام گزینه با عبارت «از ماست که بر ماست» در تقابل است؟

- ۱ خرمن خود را به دست خویشتن سوزیم ما
- ۲ او را خود التفات نبودش به صید من
- ۳ این بود نصیب ما ز دیوان قضا
- ۴ به دست خود دل خود کرده‌ام ریش
- کرم پيله هم به دست خويشتن دوزد کفن
- من خويشتن اسير کمند نظر شدم
- ما را چه گنه قسمت ما اين کردند
- پشيمانی چه سود از کرده خويش

۸۸ ابیات کدام گزینه با یکدیگر قرابت معنایی دارند؟

- الف) دهان ببند و امین باش در سخن داری که شه کلید خزینه بر امین کشدا
- ب) در هر سخن از جان شما هست جوابی هر چند دهان را به جوابی نگشایید
- ج) تو دانی که چون دیو رفت از قفس نیاید به لا حول کس باز پس
- د) جز سخن چیزی ندارم گر مرا چیزستی با چنان چیزی کجا دیوان و دفتر گویمی
- هـ) سخن گفته دگر باز نیاید به دهن اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد
- ۱ الف، ب ۲ د، ب ۳ الف، د ۴ ج، هـ

۸۹ مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱ وجود آدمی از عشق می‌رسد به کمال
- ۲ هنگام تنگ‌دستی، در عیش کوش و مستی
- ۳ گو خاک تیره زر کن و سنگ سیاه، سیم
- ۴ از بلای عشق آن بالا نمی‌نالیم ما
- گر این کمال نیابی، کمال نقصان است
- کاین کیمیای هستی، قارون کند گدا را
- آن کس که یافت آگهی از کیمیای عشق
- مبتلاییم از بلا، این کار ما بالا گرفت

۹۰ پیام بیت «جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است» با کدام گزینه متناسب است؟

- ۱ هر آن کس که خون خورد عمری چو من
- ۲ خاک لیلای وطن را جان شیرین بر سر افشان
- ۳ به جان دوست دارد کس این آب و خاک
- ۴ یک نفس گر قرب من می‌بایدت
- از او باید آموخت عشق وطن
- خسروان عشق درس عبرت از مجنون گرفتند
- که خونش بود چون می‌ناب، پاک
- در میان خون، وطن می‌بایدت

۹۱ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ هر که چون عنقا کنار از مردم عالم گرفت
- ۲ بسیار به از صحبت ابنای زمان است
- ۳ هر که از اهل جهان گوشه عزلت نگرفت
- ۴ تا نگر دیده است «صائب» استخوانت توتیا
- در لباس گوشه‌گیری فال شهرت می‌زند
- در مشرب من، خلوت اگر خلوت گور است
- رفت از دست و رگ خواب فراغت نگرفت
- گوشه‌ای زین خلق ناهموار می‌باید گرفت

۹۲ مفهوم کدام گزینه با بیت «ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز / کاین گونه فرصت از کف دادند بی‌شماران» قرابت دارد؟

- ۱ خاک ره من شد آن که دی با من بود
- ۲ امروز که در دست توام مرحمتی کن
- ۳ در همت مردانه اگر کوتاهی ای نیست
- ۴ خاک ما را از گل بیت‌ال‌حزن برداشتند
- خاک ره دیگری شوم فردا من
- فردا که شوم خاک، چه سود اشک ندامت
- مگریز از آن کار که دشوار نماید
- چون سبو پیوند دست ما به سر امروز نیست



۹۳ عبارت زیر با کدام بیت ارتباط مفهومی ندارد؟

کلمات را کنار بنزید و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید.

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱ من غلام نظر آصف عهدم کاو را | ۲ صورت خواجهگی و سیرت درویشان است |
| ۳ کف دریاست صورت‌های عالم | ۴ ز کف بگذر اگر اهل صفایی |
| ۵ اتحاد یار با یاران خوش است | ۶ پای معنی گیر صورت سرکش |
| ۷ هر که در بند صور باشد به معنی کی رسد؟ | ۸ مرد گر صورت پرست آید بود معنی گذار |

۹۴ در کدام گزینه مفهوم دو بیت با یکدیگر تناسب دارند؟

- | | |
|--|--|
| ۱ تا خار غم عشقت آویخته در دامن | ۲ زیر سر بالش دیباست تو را کی دانی |
| ۳ می سوزم و می سازم از آن روی که چون عود | ۴ بسوز ای دل که تا خامی نیاید بوی دل از تو |
| ۵ این همه گفتیم لیک اندر بسیج | ۶ عنایتی که تو را بود اگر مبدل شد |
| ۷ کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید | ۸ چون ز میدان قضا تیر بلا گشت روان |
| ۹ کوتاه نظری باشد رفتن به گلستان‌ها | ۱۰ که من از خار و خس بادیه بستر کردم |
| ۱۱ کار من دلسوخته از سوز به ساز است | ۱۲ کجا دیدی که بی آتش کسی را بوی عود آید؟ |
| ۱۳ بی عنایات خدا هیچیم هیچ | ۱۴ خلل پذیر نباشد ارادتی که مراست |
| ۱۵ قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام | ۱۶ جان سپر سازد مردانه و پنهان نشود |

۹۵ هر بیت، به ترتیب بیانگر کدام وادی عرفانی است؟

- | | |
|---------------------------------|----------------------------------|
| الف) صد هزاران مرد گم گردد مدام | ب) کس در این وادی به جز آتش مباد |
| ج) لیکن از عشقم ندانم آگهی | د) گر دو عالم شد همه یک‌بار نیست |
| ۱ تا یکی اسرارین گردد تمام | ۲ وانکه آتش نیست عیشش خوش مباد |
| ۳ هم دلی پر عشق دارم هم تهی | ۴ در زمین ریگی همان انگار نیست |

- ۱ استغنا، حیرت، عشق، فنا ۲ استغنا، طلب، حیرت، معرفت ۳ معرفت، طلب، عشق، فنا ۴ معرفت، عشق، حیرت، استغنا

۹۶ مفهوم مقابل عبارت «حالا دیگر چانه اش هم گرم شده و در خوش‌زبانی و حرّافی مُتکَلِّم وحده و مجلس آرای بلامعارض شده است.»

در همهٔ ابیات به استثنای بیت گزینه بیان شده است.

- | |
|--|
| ۱ ترجمان دل صاحب‌نظران خاموشی است / حجت ناطق کامل هنران خاموشی است |
| ۲ بند سکوت هیچ‌گه از لب بی‌هنر مجوی / قابل‌مهر کی شود شیشه که بی‌شراب شد |
| ۳ از حرف و صوت، زیر و زبر بود حال ما / مهر سکوت بر لب گویا گذاشتیم |
| ۴ فغان که تشنه‌لبان سخن نمی‌دانند / که کار تیغ دودم می‌کند لب خاموش |



پاسخنامه تشریحی

۱ در بیت صورت سوال و گزینه ۴، به دشواری و خونین بودن راه عشق اشاره شده است.

تشریح گزینه های دیگر

گزینه ۱: عاشقان تا روز قیامت به یاد مجنون خون دل خواهند خورد.

گزینه ۲: از بس روی به راه تو ساییدم، گونه هایم خونین شده و روی آمدن به سوی تو را ندارم.

گزینه ۳: با کوتاه آمدن، دشمن را مغلوب خود می کنم.

۲ مفهوم بیت سؤال و گزینه ۴: اگر حرف نزنم غم و خشم درون مرا نابود می کند.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱: نتوانستم حرف دلم را بگویم.

گزینه ۲: اگر سخن دل را بگویم، سخنانم آتشین خواهد بود.

گزینه ۳: از شدت عشق نمی توانم طوری سخن بگویم که دیگران درک کنند.

۳ در بیت سؤال و گزینه ۱، شاعر «به دنبال دل خویش است، اما، در گزینه های دیگر در جست و جوی «معشوق» است.

۴ مفهوم ابیات گزینه های ۱، ۳ و ۴، بیانگر تأثیر عشق الهی در انسان های عارف و آگاه است؛ اما در بیت گزینه ۲، به مفهوم ناامیدی و بی نصیبی که موجب ناله و

بی قراری می شود، اشاره دارد.

۵ در سایر ابیات، این نکته آمده است که افراد سطحی و خام، سوز دل عارفان و اندیشمندان را در نمی یابند.

۶ مفهوم گزینه های ۱، ۲، ۳ و ۴: ناتوانی انسان از درک و توصیف ذات پرودگار.

مفهوم گزینه ۱: ناتوانی انسان از درک اسرار آفرینش.

۷ کسی را که خدا عزیز گرداند همه مردم جهان نمی توانند او را خوار کنند.

۸ مفهوم بیت سوال «خاموشی عاشقانه» است. گزینه ۲، هم چنین مفهومی دارد. در سایر گزینه ها، گزینه ۱ به این موضوع اشاره دارد که عشق، کمال بخش است و

عاشق را از مرتبه پست به جایگاه والا می رساند. در گزینه ۳ سخن از شورانگیزی عشق و دعوت به عشق ورزی است و شاعر به این نکته اشاره می کند که عشق، دشواری ها را آسان و تلخی ها را

شیرین می کند. گزینه ۴ بر غیرت عاشقانه تاکید دارد.

۹ مفهوم عبارت سؤال نیروی همت و اراده را تأیید می کند، ولی در گزینه ۳، برخلاف عبارت سؤال است و همت و اراده را نفی می کند.

۱۰ مفهوم گزینه های ۱، ۲، ۳ و ۴: با بیت سؤال مشترک است: تا زمانی که جان در بدن دارم ترک عشق و معشوق نخواهم کرد. (تا زنده ام)

مفهوم گزینه ۱: بعد از مرگم از مزار من گذر کن، زیرا من به داغ عشق تو در خاک خفته ام. (بعد از مرگ)

۱۱ بررسی گزینه ها:

گزینه ۱: صائب، اجازه نده قلم آتشین سخن بگوید؛ زیرا دود از دل سخن شناسان بر می آید.

گزینه ۲: هر کس طاقت درد عشق ندارد، نباید وارد میدان شود که نابود می شود.

گزینه ۳: مانند بیت سوال: اگر سخن نگویم، غم وجودم را نابود می کند.

گزینه ۴: فقط درد کشیدگان، نهایت رنج مرا متوجه می شوند.

۱۲ ملک الشعرا در این بیت مردم زمانه خود را به شکستن سکوت در برابر ظالم دعوت می کند و می گوید: باید خشم خود را فریاد زد. این مفهوم در ابیات «ج» و «د»،

به خوبی دیده می شود؛ اما در گزینه های دیگر مفاهیم مقابل مفهوم این ابیات به چشم می خورد. مفهوم «الف» بی اثر بودن شکایت و تسلیم شدن در برابر تقدیر ظالمانه را می رساند و بیت «ه» کاملاً

متناقض با بیت سؤال است، زیرا مفهوم ستایش سرکوبگری و ظلم را می رساند.

۱۳ سایر گزینه ها به فاش نشدن راز درون پرده ی عشق اشاره دارد.

۱۴ کُل شیء یرجعُ الی اصله: هر چیزی سرانجام به اصل خود باز می گردد که در بیت ۱ شاعر دل را قطره ای از دریای عشق می داند که اشک از راه چشم به این دریای

عشق باز می گردد.

۱۵ در بیت صورت سؤال، سخن از جدایی عاشق از معشوق و بیان درد هجران است و مفهوم مقابل (متضاد) آن در گزینه ۲ آمده است که عاشق با دیدار معشوق به

شوق و وجد می آید و فریاد شادی سر می دهد.

۱۶ مفهوم بیت صورت سؤال: در راه عشق باید سر(جان) داد.

بررسی مفهوم گزینه ها:

گزینه ۱ عاشق زبان شکایت ندارد.

گزینه ۲ عاشق سر خود را می دهد.

گزینه ۳ عاشق بدون عشق زنده نمی ماند.

گزینه ۴ عاشق خون دل می خورد.

۱۷ گزینه ۱، شنونده گوینده را سر شوق می آورد.

گزینه ۲، این قدر شعر من زیباست که شنونده بی هوش می شود.



گزینه ۳: شنونده من بیش از من از سخنان من بهره می‌برد.

گزینه ۴: ناسزا گفتن، اول به خود گوینده آسیب می‌زند.

۱۸) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه نیز مانند بیت مورد سؤال بر جمع اضداد بودن اشاره شده است:

در بیت مورد سؤال نی، زهر و تریاق است و در این گزینه شاعر خود را هم زر و هم زرطلب، هم پادشاه و هم گدا دانسته است.

۱) آتشی از عشق معشوق دارم.

۲) زخمی که از یار باشد بهتر از مرهم از سوی دیگران است.

۴) آفتاب روی معشوق بر تمام جهان نور می‌بخشد و بسیار تأثیرگذار است.

۱۹) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه ۳: شاعر امیدوار است که آب رفته به جوی باز گردد و انتظار برگشتن اوضاع به حال اول را دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: با مفهوم «از ماست که بر ماست» تناسب دارد.

گزینه ۲: با مفهوم «از ماست که بر ماست» تناسب دارد.

گزینه ۴: دقیقاً تداعی کننده مفهوم عبارت، «تیری که از شست رفته، باز نمی‌گردد»، است، یعنی وقتی زمان درو برسد، نمی‌توانی انتظار داشته باشی که سبزه‌های نو دوباره رشد کنند و مثل روز اول گردند.

۲۰) ۱ ۲ ۳ ۴ توصیف زیبایی معشوق و برتر دانستن آن از حوریان بهشتی.

مفهوم مشترک سایر ابیات ← (رسیدن به معشوق به بهشت و نعمت‌های آن ارجحیت دارد.)

۲۱) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت سؤال و گزینه‌های ۲، ۳ و ۴، مشترک و به مفهوم: ناتوانی انسان در درک وصف ذات باری تعالی است. اما در گزینه ۱، مفهوم: وصف ناپذیری

عشق را بیان کرده که با هیچ بیتی مشترک نیست.

۲۲) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه ۲، این است که عاشق آمادهٔ ایثار جان برای معشوق و کشته شدن به دست او است.

اما دیگر گزینه‌ها همگی مفهوم وفاداری عاشق و پایداری عاشق در عشق را دارند.

۲۳) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه ۱: نیازی به راهنما و پیر طریقت نداریم و جاذبهٔ خداوند بهترین راهنماست.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: وجود راهنما و پیر طریقت برای رسیدن به معشوق لازم است.

۲۴) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه ۳: راز عشق را هرکسی درک نمی‌کند.

۲۵) ۱ ۲ ۳ ۴ در بیت صورت سؤال شاعر در جست و جوی شنونده‌ای درد کشیده است تا شرح غم عاشق را درک کند و این مفهوم در گزینه ۲، بدین شکل آمده است که

کسی که غمی چون غم من ندارد، نمی‌داند که من شب‌ها را چگونه در انتظار می‌گذرانم.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: از عشق تو و در دوری از تو صبر و قرار ندارم.

گزینه ۳: اگر رنج دوری تو را بنویسم، خواننده‌ها به فریاد می‌آیند.

گزینه ۴: شرح غم دوری تو را فقط باید به خودت بگویم.

۲۶) ۱ ۲ ۳ ۴ در بیت صورت سؤال، مولوی معتقد است که همه‌ی آدمیان با نوای نی وجود او نالیده‌اند و در گزینه‌ی ۴، هر کسی که عاشق شود، سنگ‌ها هم با او هم‌نوا

خواهند شد و خواهند نالید.

۲۷) ۱ ۲ ۳ ۴ شاعر در بیت گزینه ۱، معتقد است که قدرت تمیز بی‌ارزش از ارزشمند در وجود مست و خفته نیست؛ در حالیکه در سه گزینه دیگر شاعران معتقدند که تنها

دردکشیدگان حال دردمند را می‌فهمند.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۲: درد هجران را کسی می‌فهمد که همچون یوسف، عزیزی را در سفر دارد.

گزینه ۳: حال عاشقان را عاقلان درک نمی‌کنند.

گزینه ۴: فقط بیدل اسیر، حال مرا که در اسارت درک می‌کند.

۲۸) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی همهٔ گزینه‌ها:

گزینه ۱: هر دو بیت: نیازمندی عاشق به یک همدرد.

گزینه ۲: هر دو بیت: عشق مبنای وجود همهٔ هستی است.

گزینه ۳: هر دو بیت: راه عشق خونین و دشوار است.

گزینه ۴: بیت اول: سیری ناپذیری عاشق از عشق / بیت دوم: عاشق فقط با گریه آرام می‌شود.

۲۹) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه‌ها با توجه به ترتیب جواب:

ج) کیفیت و کمیت عشق در وجود عاشقان به هیچ‌وجه کم نمی‌شود و عاشق در هیچ مرحله‌ای از عشق‌ورزی به معشوق سیر نمی‌گردد.

الف) عاشقان از جان خواستار سختی‌های موجود در راه عشق هستند و معتقدند هر قدر معشوق در راه عشق به آنان سختی و مشکلات بیشتری تحمیل کند عشق حقیقی‌تری خواهند داشت.

د) یکی از پرکاربردترین مفاهیم ادبیات غنایی همین مفهوم پنهان نماندن راز عاشقان است که در این بیت هم به‌خوبی به چشم می‌خورد. در ادبیات عاشقانه باد صبا و اشک عاشق نماد افشاگر عشق هستند؛ چنانچه حافظ می‌فرماید:

و گر نه عاشق و معشوق رازدارانند

تو را صبا و مرا آب دیده شد غماز

ب) هر کسی لایق ورود به حریم متبرک و روحانی عشق نیست و زمانی که شخصی وارد حریم عشق می‌شود به‌خوبی می‌داند که به‌هیچ وجه نباید اسرار عاشقی را بین عوام و غریبان فاش کند.

۳۰) ۱ ۲ ۳ ۴ گزینه ۱) هرکسی لایق شنیدن سخن من نیست.

مفهوم مشترک سایر ابیات و بیت صورت سؤال: هرکسی توان درک اسرار عشق را ندارد.



- ۳۱) ۱ ۲ ۳ ۴ در عبارت صورت سؤال، نویسنده در غربت (تهران) آرامش ندارد و فکر و خیالش (روحش) پیوسته جایی است که ایل و تبار و خانوادگی اوست. در بیت گزینۀ ۴، نیز شاعر دور از معشوق است و فکر و خیالش (دلش) آن جاست که معشوق اوست.
- ۳۲) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم ابیات گزینۀ های ۱ و ۲ و ۴، پایداری عشق و میل به معشوق است، اما در بیت گزینۀ ۳ شاعر می گوید که ممکن است روزی، مهر و محبت معشوق از دل اندوهگین او بیرون رود.
- ۳۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در این دو بیت مانند بیت مورد سؤال بر وفاداری عاشق به عهد و پیمانش و جدایی او از خواسته های مادی تأکید شده است.
- ۳۴) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت صورت سؤال این است که «ای طالب راه عاشقی اگر می خواهی در این مسیر قدم بگذاری باید تمام وابستگی ها و تعلقات دنیویات را کنار بگذاری، چرا که عشق کسی را که وابستگی به دنیا و مافیها داشته باشد، نمی پذیرد. این مفهوم به جز گزینۀ ۳، در تمام گزینۀ ها دیده می شود.
- مفهوم بیت «۳»: انسان های پست تا زمانی که قدرت دارد بر هر کسی که بتواند زور می گوید و ظلم روا می دارد. وقتی هم که پیر و ناتوان می شود مانند کرکس و لاشخور با ته مانده غذای دیگران خودش را سیر می کند.
- ۳۵) ۱ ۲ ۳ ۴ در عبارت صورت سؤال به ملامت عقل و آنچه در محدوده عقل می گنجد، می پردازد و ابیات گزینۀ های (۲)، (۳) و (۴) نیز به تقبیح عقل پرداخته اند، اما بیت گزینۀ (۱) می گوید: «تا تو را دیدم، عقل و هوش خود را از دست دادم»، تشریح گزینۀ های دیگر:
- گزینۀ (۲): با راهنمایی های عقل، هر آنچه هست بر من سخت می گردد.
- گزینۀ (۳): استدلال های عقلی مرا پریشان کرده است.
- گزینۀ (۴): هر آن چه که به ترمیم عقل می پردازم، باز هم بدتر می شود و ویران تر می گردد.
- ۳۶) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینۀ های ۱، ۲، ۳ و ۴، معادل ضرب المثل «از تو حرکت، از خدا برکت» است؛ اما مفهوم گزینۀ «۱»: حضرت مسیح از خیر و نعمت های مریم، شاد است و بزم ابراهیم از رفتار و عمل پسندیده ساره، پر رونق است.
- ۳۷) ۱ ۲ ۳ ۴ در بقیه ی گزینۀ ها این نکته آمده است که «آن را که خبر شد، خبری باز نیامد، ولی گزینۀ ۱ به جاودانگی سخن اشاره دارد.
- ۳۸) ۱ ۲ ۳ ۴ سه بیت اول به «ستارالعیوب» بودن خدا اشاره دارند.
- بیت چهارم به رزاق بودن خدا اشاره دارد.
- ۳۹) ۱ ۲ ۳ ۴ بی ارزش بودن دو عالم در مقابل عشق معشوق.
- مفهوم سایر ابیات: برای رسیدن به معشوق، باید غرور و خودپرستی را کنار بگذاریم.
- ۴۰) ۱ ۲ ۳ ۴ این بیت می گوید که عقل از عنایت خدا فهم دارد، اما ابیات مرتبط می گویند که عقل امکان درک خدا را ندارد.
- ۴۱) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک عبارت سوال با گزینۀ (۴): گریه و زاری باعث پذیرش توبه به درگاه خدا می شود.
- ۴۲) ۱ ۲ ۳ ۴ شیوه بیان در گزینۀ های ۱، ۲، ۳، ۴، طنز آمیز است اما در گزینۀ «۳» شیوه بیان و لحن کلام «جد» است.
- ۴۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در بیت موجود در سؤال فرهاد، تا دم مرگ خود را عاشق می داند.
- بررسی سایر گزینۀ ها:
- گزینۀ «۱»: در روز حشر هم عاشق تو هستم.
- گزینۀ «۳»: پس از مرگ هم ذرات وجودم از عشق سرمست است.
- گزینۀ «۴»: بیست سال بعد از مرگم، باز هم گورم از عشق خالی نیست.
- ۴۴) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ «۲»، وارستگی از مادیات و پرداختن به عشق؛ زیرا کمال انسان در عشق است.
- بررسی سایر گزینۀ ها:
- گزینۀ «۱»: ستایش تو، ستایش گر را ثروتمند می کند.
- گزینۀ «۳»: آفتاب وجود من، مس وجود دشمنم را تبدیل به طلا می کند.
- گزینۀ «۴»: از بخشش الهی، وجود بی ارزش آدمی، ارزشمند می شود.
- ۴۵) ۱ ۲ ۳ ۴ در صورت سوال امید به پیشرفت و بهتر شدن وجود دارد؛ اما پیام گزینۀ (۲) تغییر شرایط از مناسب به نامناسب دیده می شود. در گزینۀ های دیگر نیز همچون شعر صورت سوال امید به بهتر شدن، پیام اصلی بیت است.
- ۴۶) ۱ ۲ ۳ ۴ در بیت سؤال و بیت گزینۀ «۴» مفهوم مشترک «خیانت حاکمان» مشهود است.
- بررسی سایر گزینۀ ها:
- گزینۀ «۱»: ظالم از ستمگری سیر نمی شود.
- گزینۀ «۲»: احساس امنیت و ترس نداشتن از دشمن
- گزینۀ «۳»: بیم از زیان های نفس که انسان را تهدید می کند.
- ۴۷) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینۀ های ۱، ۲، ۳، ۴: ناپایداری قدرت حاکمان.
- مفهوم گزینۀ «۱»: مقابله با ظلم و مجازات کردن ظالمان.
- ۴۸) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت صورت سؤال این است که ره سپردگان عشق، حال عارف واصل را می فهمند و اغیار از این مفهوم چیزی در نمی یابند. این معانی در ابیات «ب و ج» نیز مشاهده می شود.
- الف): تقابل عشق و عقل مطرح می شود.
- د): بی پایانی و بی کرانگی عشق مطرح می شود.
- ۴۹) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی گزینۀ ها:
- گزینۀ (۱): اگر چه نظر پاک به زیبایی تو آسیمی نمی رساند؛ اما چهره ی زیبایت را از آب و آئینه هم پنهان کن.
- گزینۀ (۲): دلم از خود خبر ندارد؛ اما لحظه ای از یار گرامی تر از جان غافل نیست.



گزینۀ (۳): مانند صورت سوال: رد پای عاشقان در کوی تو گم شد؛ زیرا هر جای که تو هستی تمام هستی ناپیداست.

گزینۀ (۴): تو که به زیبایی خودت توجه داری دیگر ما در نظرت جلوه نمی کنیم. (هیچیم)

۵۰ ۱ ۲ ۳ ۴ پیام مشترک بیت سوال و گزینۀ ۲: عشق هرگز از دل عاشق بیرون نمی رود.

۵۱ ۱ ۲ ۳ ۴ دست از تعلقات کشیدن برای رسیدن به آستان یار، پیام مشترک صورت سوال و گزینۀ (۲) است.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینۀ (۱): مستی، مهم ترین اصل راه عشق.

گزینۀ (۳): ماندن در کنار یار به درخواست وی.

گزینۀ (۴): ناچیزی عاشق و ارزشمند شدنش به دلیل حضور یار.

۵۲ ۱ ۲ ۳ ۴ در شعر و نثر فارسی خاصه در ادبیات غنایی «پروانه» نمادی است از عاشقان حقیقی که همیشه در راه معشوق جان خود را فدا می کنند و هیچ اعتراضی هم ندارند.

این مفهوم به جز گزینۀ ۱، در تمام گزینه های دیگر موجود است.

۵۳ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم کلی بیت های «الف» و «د»، گریزان بودن از عقل و روی آوردن به دیوانگی است.

۵۴ ۱ ۲ ۳ ۴ نکته: مفهوم عرفانی «مراقبت»: نگه داشتن دل از توجه به غیر حق.

این مفهوم فقط در گزینۀ ۱، آمده است.

۵۵ ۱ ۲ ۳ ۴ در حدیث مذکور و گزینۀ ی یک بنده نوازی خداوند و اینکه «انسان پناهی جز او ندارد» تأکید شده است.

۵۶ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت سوال: کسی که تو پشتیبانش باشی هیچ نگرانی ندارد. این بیت های «الف، ب، ه، ز» هم مفهوم است و با بیت «د» هم بی مناسبت نیست.

گزینۀ های «ج، و» با آنها در تناسب نیست:

(ج) به وفاداری عاشق (و) عدم وابستگی مادی و دنیوی

۵۷ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک صورت سوال با گزینه های ۱ و ۲ و ۴: توصیف ناپذیر بودن خدا.

(۳) معشوق ما (خداوند)، وحدت و کثرت را همراه با یکدیگر دارد.

۵۸ ۱ ۲ ۳ ۴ همه گزینۀ های شرط اصلی دریافت روزی را سعی و تلاش می داند اما در گزینۀ ۲، شاعر معتقد است روزی، مقدر شده و به تلاش بستگی ندارد.

۵۹ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک دو بیت، ما از عالم معنا آمده ایم و به همانجا بازمی گردیم.

تشریح گزینه های دیگر

گزینۀ ۱: بیت اول: وجود تو مهم است، نه گذر عمر من.

بیت دوم: این وجود پاک، جسمش بر خاک است و روحش بر افلاک.

گزینۀ ۳: بیت اول: هر کسی قابلیت شنیدن اسرار مرا ندارد.

بیت دوم: بدون سخن، از اسرار من آگاه هستی.

گزینۀ ۴: بیت اول: خامان از حال عارفان واصل بی خبرند.

بیت دوم: افسوس دیگران را می شنوم که پشت سرم می گویند، این فرد باتجربه به خاطر خیال خامی نابود شد.

۶۰ ۱ ۲ ۳ ۴ این بیت می گوید که عقل از عنایت خدا فهم دارد؛ اما باقی ابیات می گویند که عقل امکان درک خدا را ندارد و از این جهت با بیت صورت سوال قرابت دارند.

۶۱ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک عبارت سوال و گزینۀ ۱: رسیدن به معشوق باعث از خود بی خود شدن عاشق می شود.

۶۲ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سوال و گزینۀ ۳: رازداری و جان باختن در راه معشوق و نداشتن اعتراض

۶۳ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سوال و گزینۀ ۴: ستارالعیوب بودن خدا

۶۴ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینۀ ۲، ناتوانی فهم انسان از درک اراده خداست و مفهوم سایر ابیات، ناتوانی انسان از شناخت خداست.

۶۵ ۱ ۲ ۳ ۴ (۱) انتقاد از زاهدان مغرور و متظاهر.

مفهوم سایر ابیات ← مردود دانستن ریا و تظاهر در دین.

۶۶ ۱ ۲ ۳ ۴ گزینه های ۱، ۲ و ۳، همگی به قانع بودن به وضع موجود اشاره دارند؛ اما در گزینۀ ۴، آمده است: با تواضع توانسته ام به اعتبار برسم و خار دیوار هستم و به

کسی آزار نمی رسانم.

۶۷ ۱ ۲ ۳ ۴ بیت صورت سوال می گوید که یار این قدر زیبا است که زیبایی دیگر خوبان باعث خجالتشان می شود؛ یعنی او از همه خوبان بهتر است و این معنی در گزینۀ (۳)

هم دیده می شود، وقتی می گوید که سرو از قامت یار خجالت می کشد.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینۀ (۱): زیبایی خوبان شوری خاص ایجاد می کند.

گزینۀ (۲): در بند لباس نباش.

گزینۀ (۴): هر جا خوبی است، از یار است.

۶۸ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینۀ (۲): وصف زیبای چشمان معشوق

مفهوم مشترک سایر ابیات: دورویی و ریا کاری زاهدنمایان

۶۹ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سوال با گزینه های «الف، ه، و»: عشق، وجود انسان را کامل می کند.

۷۰ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سوال و گزینۀ (۲): عشق باعث کمال انسان می شود.

۷۱ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه های «۱»، «۲» و «۴»: وطن پرستی و جان فشانی در راه آن.

مفهوم گزینۀ «۳»: هنگام قدرت هم وطنان خود را از یاد نبردن.



۷۲) بیت صورت سؤال و ابیات «الف و ج» مفهوم مشترک دارند: مرگ پایان زندگی نیست و زندگی پس از مرگ در جریان است.

در بیت «ب»: هیچ آمیدی به زندگی پس از مرگ نیست.

در بیت «د»: تأثیر عشق در وجود عاشق هنگام مرگ

۷۳) در صورت سوال، شاعر همت را عامل توانایی و تکامل می‌داند، در حالی که در گزینه ۲ از نظر شاعر همتش ناکام می‌ماند.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ۱: مردانی که همت بلند دارند، می‌توانند آسمان را زیر پا بگذارند.

گزینه ۳: با فکر بلند خود اسرار افلاک را فاش کردم.

گزینه ۴: او با همت بلندش فلک را به زیر پای آورده است.

۷۴) مفهوم گزینه (۱): ارزشمندی وطن و در خطر بودن آن

مفهوم مشترک سایر ابیات: جان‌فشانی در راه وطن

۷۵) مفهوم بیت صورت سؤال، نکوهش خاموشی است و پیام شاعر، دعوت به سخن گفتن است و در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴، بر مفهوم مقابل این بیت، یعنی سکوت

تأکید شده است. در بیت گزینه ۱، به شکستن سکوت و افشای راز اشاره شده است.

۷۶) در ابیات گزینه‌های ۱، ۲ و ۴، شاعر مخاطب خود را (قَلَّة دماوند) به حرکت و مبارزه دعوت می‌کند؛ اما در بیت گزینه ۳، از مردم خواسته می‌شود تا از این واقعه

که کیفر ایزدی است، بترسند.

۷۷) مفهوم گزینه‌های ۱، ۲ و ۳، با بیت سؤال همسان است و مفهوم: «عاشق از عشق معشوق سیر نمی‌شود» را دارد. اما مفهوم بیت گزینه ۴: «عاشق می‌خواهد

که به دست معشوق کشته شود».

۷۸) در گزینه (۲) مفهوم مشترک دو بیت اشاره به این سخن مشهور است: کل شیء یرجع الی اصله...

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه (۱): بیت اول: وجود تو مهم است نه گذر عمر من.

بیت دوم: از آن جسم پاک دور نیست که جسمش بر خاک و روحش بر افلاک باشد.

گزینه (۳): بیت اول: هر کسی قابلیت شنیدن اسرار مرا ندارد.

بیت دوم: بدون سخن، از اسرار من آگاه هستی.

گزینه (۴): بیت اول: خامان از حال عارفان واصل بی‌خبرند.

بیت دوم: افسوس و دریغ دیگران را می‌شنوم که می‌گویند، این انسان باتجربه با آرزویی خام نابود شد.

۷۹) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌های ۱، ۲ و ۳، رنج کشیدن در مسیر عشق است. اما مفهوم گزینه ۲، این است که علت آن که عارفان سر از گریبان

بیرون نمی‌آورند، این است که معشوق را در دل خود یافته‌اند.

۸۰) در بیت ۳ و متن صورت سوال، بر بیکراری پروانه و اشتیاق او به سوختن تأکید شده است، اما در سایر ابیات صرفاً به سوختن پروانه با شعله شمع اشاره شده است.

۸۱) مفهوم ابیات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به پایداری عشق و محبت معشوق اشاره دارند، اما بیت گزینه (۳) می‌گوید که ممکن است روزی، مهر و محبت معشوق از

دل اندوهگین عاشق بیرون رود.

۸۲) گزینه (۲): اگر خون تمام جهانیان را بریزی؛ ولی با یار باید مهربان باشی.

گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) به مفهوم جان‌فشانی عاشق در برابر معشوق اشاره دارند.

۸۳) در این گزینه به درمان‌ناپذیری درد عشق اشاره شده است؛ ولی شاعر در گزینه‌های دیگر به استقبال آسیب دیدن در راه عشق رفته است.

۸۴)

۸۵)

فقط عاشقان و عارفان درد کشیده اسرار الهی را درک می‌کنند.

گزینه ۱: دعوت به آرامش و سکوت

گزینه ۲: انسان‌ها دو گروهند: گروهی خریدار سخنان الهی و گروهی سخنان شیطانی

گزینه ۴: مراقب باش تا در راه عشق، وسوسه‌های شیطانی تو را سست نکنند و فقط به پیام‌های الهی توجه کن.

۸۶) مفهوم شعر سؤال در بیان امیدواری است که فقط از گزینه ۱، دریافت می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲) حتی ناامیدی هم به احوال من می‌گرید؛ چون کشت امید من از بین رفته است.

گزینه ۳) حتی جگر سنگ به حال ناامیدی من می‌سوزد.

گزینه ۴) آن‌چه همان ابتدا از بین می‌رود، امیدهای ماست.

۸۷) مفهوم عبارت صورت سؤال این است که «اعمال و رفتارهای ما باعث رخدادهای و اتفاقات زندگی مان می‌شود و هر چه برایمان اتفاق بیفتد بازتاب اعمال ماست.

این مفهوم در همه گزینه‌ها به جزء گزینه ۳، به وضوح دیده می‌شود. شاعر در این گزینه تقدیر و قضا و قدر را مسئول اتفاقات و سرنوشت بشر می‌داند.

۸۸) در موارد «ج - ه» بر این نکته تأکید شده است که سخنی که بر زبان آمده دیگر گفته شده است و قابلیت بازگشت ندارد و در مورد «ج» نیز سخن را به دیو تشبیه

کرده است.

۸۹) مفهوم گزینه (۲): عیش در زمان فقر باعث می‌شود که گدا به ثروت برسد.

مفهوم مشترک سایر ابیات: عشق باعث کمال انسان می‌شود.



۹۰ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال با گزینه (۲): جان‌بازی در راه وطن.

۹۱ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت گزینه (۱): گوشه‌گیری‌ای که به قصد شهرت‌طلبی باشد، نکوهیده و ناپسند است.

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های (۲، ۳ و ۴): دعوت به گوشه‌گیری از مردم و ستایش آن

۹۲ ۱ ۲ ۳ ۴ غنیمت شمردن فرصت برای هم‌نشینی با یار، پیام مشترک بیت صورت سؤال و گزینه (۲) است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه (۱): مرگ همگان حتمی است.

گزینه (۳): با همت مردانه، کارهای دشوار را انجام بده.

گزینه (۴): غم از ازل با ما بوده است و امروزی نیست.

۹۳ ۱ ۲ ۳ ۴

۹۴ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک ابیات این گزینه در مورد ستایش و ارزش والای دل‌سوختگی و تحمل رنج‌ها و سختی‌ها در راه معشوق و عشق است که سوز دل عاشق تمام خامی

ها و بی‌تجربگی‌هایش را به باد می‌سپارد و او را در عالم صاحب نفس و اعتبار می‌کند.

۹۵ ۱ ۲ ۳ ۴ الف) معرفت: دیدن اسرار در وادی معرفت رخ می‌دهد.

ب) وادی‌ای که در آن آتش و سوختگی وجود دارد، عشق است.

ج) ناآگاهی و سرگردانی معرف وادی حیرت و سرگشتگی است.

د) بی‌ارزشی دو عالم در وادی استغنا رخ می‌دهد.

۹۶ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم عبارت سؤال «پرحرف» است و مفهوم مقابل آن «خاموشی و سکوت» است و در بیت دوم به این امر اشاره نشده بلکه به پرگویی و حرافی اشاره دارد که

ویژگی انسان‌های بی‌هنر است.

پاسخ نامه کلیدی

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴

۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۹	۱	۲	۳	۴
۳۰	۱	۲	۳	۴
۳۱	۱	۲	۳	۴
۳۲	۱	۲	۳	۴
۳۳	۱	۲	۳	۴
۳۴	۱	۲	۳	۴
۳۵	۱	۲	۳	۴
۳۶	۱	۲	۳	۴
۳۷	۱	۲	۳	۴
۳۸	۱	۲	۳	۴
۳۹	۱	۲	۳	۴
۴۰	۱	۲	۳	۴
۴۱	۱	۲	۳	۴
۴۲	۱	۲	۳	۴
۴۳	۱	۲	۳	۴
۴۴	۱	۲	۳	۴
۴۵	۱	۲	۳	۴
۴۶	۱	۲	۳	۴
۴۷	۱	۲	۳	۴
۴۸	۱	۲	۳	۴

۴۹	۱	۲	۳	۴
۵۰	۱	۲	۳	۴
۵۱	۱	۲	۳	۴
۵۲	۱	۲	۳	۴
۵۳	۱	۲	۳	۴
۵۴	۱	۲	۳	۴
۵۵	۱	۲	۳	۴
۵۶	۱	۲	۳	۴
۵۷	۱	۲	۳	۴
۵۸	۱	۲	۳	۴
۵۹	۱	۲	۳	۴
۶۰	۱	۲	۳	۴
۶۱	۱	۲	۳	۴
۶۲	۱	۲	۳	۴
۶۳	۱	۲	۳	۴
۶۴	۱	۲	۳	۴
۶۵	۱	۲	۳	۴
۶۶	۱	۲	۳	۴
۶۷	۱	۲	۳	۴
۶۸	۱	۲	۳	۴
۶۹	۱	۲	۳	۴
۷۰	۱	۲	۳	۴
۷۱	۱	۲	۳	۴
۷۲	۱	۲	۳	۴

۷۳	۱	۲	۳	۴
۷۴	۱	۲	۳	۴
۷۵	۱	۲	۳	۴
۷۶	۱	۲	۳	۴
۷۷	۱	۲	۳	۴
۷۸	۱	۲	۳	۴
۷۹	۱	۲	۳	۴
۸۰	۱	۲	۳	۴
۸۱	۱	۲	۳	۴
۸۲	۱	۲	۳	۴
۸۳	۱	۲	۳	۴
۸۴	۱	۲	۳	۴
۸۵	۱	۲	۳	۴
۸۶	۱	۲	۳	۴
۸۷	۱	۲	۳	۴
۸۸	۱	۲	۳	۴
۸۹	۱	۲	۳	۴
۹۰	۱	۲	۳	۴
۹۱	۱	۲	۳	۴
۹۲	۱	۲	۳	۴
۹۳	۱	۲	۳	۴
۹۴	۱	۲	۳	۴
۹۵	۱	۲	۳	۴
۹۶	۱	۲	۳	۴